

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل  
۲۶ جنوری ۲۰۲۰

## "دروغ آدمی را کند شرمسار"

اعتراضات خیابانی در غور، نتایج دروغ های "غنی احمدزی" است.



شنبه- ۰۵ دلو ۱۳۹۸ - کابل: احتمالاً شما هم در جریان قرار دارید که از ۴ روز بدین سو، جم غفیری از باشندگان ولایت غور، در مرکز این ولایت یعنی شهر "فیروزکوه" مظاهره نموده، دو خواست اساسی باشندگان ان ولایت را که اعمار سرک قیر به آن ولایت و رساندن برق است مطرح نموده از دولت دست نشانده خواسته اند تا آن خوستها را در بودجه سال ۱۳۹۹ بگنجانند. در غیر آن به ادامه مسدود ساختن ادارات دولتی که همین حالا بدان دست یازیده اند، آن عده از کارمندان دولتی را که از کابل مقرر شده اند، نیز از ولایت بیرون خواهند نمود. در یادداشت امروز توجه شما را به همین نکته جلب می نمایم:

۱- ولایت غور علی رغم تاریخ پارینه اش و این که در زمانی تمام خراسان زمین به شمول آسیای میانه و بخش هائی از هند، در زیر سم ستوران شاهان جبار آن، می لرزید، امروز یکی از فقیر ترین ولایت های کشور است که از بسا جهات به خصوص خدمات شهری، برخورداری از برق دایمی و رفاه انسانی جز با ولایاتی مانند "دایکندی" و "پکتیکا" حتا با سایر ولایات افغانستان نیز قابل مقایسه نیست.

۲- باند "غنی احمدزی" با سوءاستفاده و استفاده ابزاری از "سرور دانش" که زادگاهش ولایت غور است، در جریان به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری ضمن مسافرت‌های عبیده‌اعضاء و افراد آن باند به آنجا و پذیرائی های گرم از آنها در داخل ارگ با دلالتی "دانش" توسط شخص "غنی احمدزی" و دادن وعده های سرخرمن و این که عظمت سلاطین غوری را در آن ولایت باز خواهند گرداند، تا توانستند دروغ گفتند و با هر دروغ سقف توقعات و خواستهای سرکوب شده باشندگان ولایت را به نحوی احیاء نمودند و از همان طریق فضائی را به وجود آوردند که تقلبات انتخاباتی شان در آن ولایت زیاد محسوس نباشد. چنانچه وقتی نتایج رأی گیری اعلام شد، باند "غنی احمدزی" اعلام داشت که برنده انتخابات در آن ولایت آنها می باشند.

۳- تصور "غنی احمدزی" و باندش این بود که با اعلام پیروزی آنها در انتخابات، وقتی بودجه سال ۹۹ به پارلمان برود و از تمام وعده هائی که به مردم غور داده شده بود، چیزی در آن وجود نداشته باشد، اتفاق مهمی رخ نخواهد داد. زیرا خر آنها از پل گذشته و دیگر پای رأی دهی و فریبکاری نیز در میان نخواهد بود. در چنان حالتی اولاً مردم غور حرکتی نخواهند کرد و در ثانی حرکات احتمالی آنها را نیز می توان به سرعت سرکوب و متفرق ساخت.

۴- بد بختی باند "غنی احمدزی" زمانی خود را نشان داد که اعلام نتایج انتخابات به شاخ آهو بسته شد و بودجه سال ۱۳۹۹ نیز در پارلمان مورد قبول قرار گرفت، در نتیجه آن مردم غور دیدند که سخت فریب خورده همان اصطلاح هم "کون و هم کرک" در مورد آنها صدق می نماید. از همین رو دست به اعتراضات زده، در تلاش اند تا بازی باخته را به نفع خود تغییر بدهند.

۵- برای "غنی احمدزی" و باندش چانس زیادی جهت انتخاب وجود ندارد. چه همین اکنون و چه هم در صورت تکامل اوضاع علیه حاکمیت جبارانه آنها با اخراج فرستادگان دولت دست نشانده از آن ولایت، آنها می توانند یا باز هم وعده سرخرمن بدهند و وزارت مالیه دولت دست نشانده با ارسال ورق پاره هائی زیر عنوان بودجه "تکمیلی" و یا "اضافی"، در مقابل خواست آنها تسلیم شوند و وعده های سرخرمن شان را با پشتوانه حقوقی تأیید "ولسی جرگه" دولت دست نشانده اعتبار ببخشند و یا هم با هر برخورد دیگری، در صورت رفتن به اصطلاح انتخابات به دور دوم، از ۱۲ هزار رأی آن ولایت چشم ببوشند.

هموطنان گرامی!

آنچه امروز در غور اتفاق می افتد، گذشته از این که بیانگر حرکت مردم جهت حصول خواستهای صنفی شان است که می باید بدان ارج گذاشت، بعد از آنچه زیر نام "جنبش روشنائی" به راه افتاد و از طرف حاکمیت به خون کشیده شد، می تواند به مثابه نقطه آغازینی باشد که باز هم مردم یک ولایت به صورت دسته جمعی، خواستهای اقتصادی و رفاهی شان را مستقیماً خودشان با برآمدن بر روی سرکها و با بستن ادارات دولتی و اخراج نمایندگان دولت مرکزی از ولایت شان که می تواند به معنای تمامیت دولتی را زیر سؤال بردن تعبیر گردد، فاز جدیدی از مبارزه را در کشور ما درج تاریخ نماید.

هموطنان گرامی!

این که هر فرد آگاه و شرافتمندی در هر گوشه افغانستان موظف است از چنین خواست هائی حمایت نماید و مردمش را در مقابل توطئه و زورگویی های احتمالی دولت دست نشانده تنها نگذارد، بدان معنا نیست که همه چیز گل و گلزار خواهد شد و آنها به خواستهای شان نایل خواهند شد.

چه گذشته از آن که باند های حاکمیت اعم از باند "غنی احمدزی" و باند "عبدالله عبدالمود" و بقیه کاسبکاران سیاسی همیشه این امکان را دارند تا حرکت مردم را یا به نفع خود مصادره نمایند و یا هم از مجرای اصلی آن منحرف بسازند،

فقدان حزب پیشاهنگ پرولتری، یعنی نهادی که مبارزه توده ها را جهت دهی درست نموده تا اخیر با رهبری داهیانه اش از آنها مراقبت نماید، همان شتر مرگیست که بر درب این حرکت مردمی نیز خوابیده است. در چنین شرایطی برای افرادی چون این قلم علی رغم سرنوشت مشترک، امکان زیادی جهت کمک رسانی به جز تشدید افشاگری و افشای توطئه های باند های قدرت و ایجاد پل ارتباط بین این حرکت خودجوش مردم با جنبش های مشابه و تشدید مبارزه علیه حاکمیت دست نشانده و مزدور در محلی که خودم زندگانی می نمایم، باقی نمی ماند. از همین رو باز هم فریاد می زنم:

**سرکها ما را می طلبد!**